

Designing a model of the relationship between the National Olympic Committee's social capital and financial reporting based on Big Bath theory

Mahdi Goudarzi*¹ - Ala Moradi²

1.Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran 2.

Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Received:2025/08/25; Accepted:2026/04/23)

Abstract

The purpose of this study was to design a model of the relationship between the social capital of the National Olympic Committee and financial reporting using Big Bath theory. The research method is descriptive, correlational, and applied in terms of purpose. The statistical population included all members of the General Assembly of the National Olympic Committee of Iran from 2014 to 2022 (147 people), who were considered as the statistical sample using the total number sampling method. Of the 147 questionnaires distributed, 121 were returned, so the statistical sample was limited to 121 people. The data collection tools included the Nahapiet and Ghoshal (1998) social capital questionnaire and the Wen Individual Financial Reporting Questionnaire (2017). The face and content validity of the questionnaires were approved by the supervisor. The reliability of the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha coefficient as 0.77 and 0.73, respectively. Pearson correlation coefficient and logistic linear regression were used to analyze the data. The final results derived from structural equation modeling (SEM) revealed that social capital can significantly influence financial reporting through its various dimensions—namely, relational, structural, and cognitive. Specifically, the standardized path coefficient (β) for the overall effect of social capital on financial reporting was 0.62, with an associated t-statistic of 8.94 ($p < 0.001$). Furthermore, Big Bath theory was found to serve as a moderating factor in this relationship, potentially shaping the nature of financial reports during critical periods. This proposed model can serve as a practical framework for improving financial reporting practices in sports organizations, such as the National Olympic Committee.

Keywords

Big Bath Theory, Financial Reporting, National Olympic Committee, Social Capital.

* Corresponding Author: Email: goudarzi63@pnu.ac.ir

طراحی الگوی ارتباطی سرمایه اجتماعی کمیته ملی المپیک با گزارشگری مالی بر اساس نظریه حساب شویی

مهدی گودرزی* - آلا مرادی^۲

۱. گروه مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ ۲. گروه مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴، تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲)

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر طراحی الگوی ارتباطی سرمایه اجتماعی کمیته ملی المپیک با گزارشگری مالی با استفاده از نظریه بیگ بث بود. روش تحقیق توصیفی همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری شامل کلیه اعضای مجمع عمومی کمیته ملی المپیک ایران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ تعداد ۱۴۷ نفر بود که به روش نمونه‌گیری کل شمار به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. از تعداد ۱۴۷ پرسشنامه توزیع شده تعداد ۱۲۱ پرسشنامه برگشت داده شد لذا نمونه آماری محدود به تعداد ۱۲۱ نفر شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهایت و گوشال (۱۹۹۸) و پرسشنامه گزارشگری مالی فردی ون (۲۰۱۷) بود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها به تأیید ۷ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و حسابداری رسید. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های فوق به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی لجستیک استفاده شد. بر اساس نتایج نهایی مدل‌سازی معادلات ساختاری (ضریب مسیر استاندارد شده β) برای تأثیر کلی سرمایه اجتماعی بر گزارشگری مالی برابر ۰/۶۲ است و آماره t مربوطه برابر ۸/۹۴ با سطح معناداری (p) کمتر از ۰/۰۰۱ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از طریق ابعاد مختلف خود (ارتباطی، ساختاری و شناختی) می‌تواند بر گزارشگری مالی تأثیر بگذارد. همچنین، نظریه بیگ بث به عنوان یک عامل تعدیل کننده در این رابطه عمل می‌کند و می‌تواند در دوره‌های بحرانی بر نحوه گزارش‌های مالی تأثیر بگذارد. این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی برای بهبود گزارشگری مالی در سازمان‌های ورزشی مانند کمیته ملی المپیک مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

کمیته ملی المپیک سرمایه اجتماعی، گزارشگری مالی، نظریه حساب شویی.

مقدمه

یکی از اشکال بحث‌برانگیز مدیریت سود که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده، پدیده‌ای به نام «حساب‌شویی» یا «حمام بزرگ» است. حساب‌شویی به رفتاری اطلاق می‌شود که طی آن مدیران در دوره‌های بحرانی - مانند مواجهه با زیان‌های عمده، رکود مالی، یا تغییر مدیریت - با تعجیل در شناسایی هزینه‌ها و انتقال درآمدها به دوره‌های آتی، سود جاری را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهند. هدف از این اقدام، فراهم آوردن بستری برای گزارش سودهای بالاتر در آینده و نمایش عملکردی درخشان‌تر در دوره‌های بعدی است (۲، ۳).

نظریه حساب‌شویی بیان می‌کند که هنگامی که شرکت‌ها یا سازمان‌ها با اخبار بد یا عملکرد ضعیف مواجه می‌شوند، مدیران تمایل دارند این اخبار منفی را تا حد ممکن نامطلوب جلوه دهند. منطق پشت این رفتار آن است که با بزرگ‌نمایی زیان‌ها در دوره جاری، می‌توان انتظار داشت که در دوره‌های مالی آتی، با کاهش هزینه‌ها و شناسایی درآمدهای انتقال یافته، عملکرد بهتری به ذی‌نفعان ارائه شود. این روش اغلب زمانی استفاده می‌شود که شرکت سال بدی را پشت سر گذاشته است؛ مدیران با استفاده از این تکنیک می‌توانند در سال‌های آینده افزایش چشمگیر درآمد را به نمایش گذارند، هرچند این افزایش درآمد عمدتاً غیرواقعی و ناشی از دستکاری‌های حسابداری است (۴).

نظریه حساب‌شویی عمدتاً مبتنی بر مفهوم تئوری نما ایندگان سهامداران، ممکن است به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی خود باشند و در این راستا روش‌های حسابداری را به نحوی انتخاب کنند

آغاز هزاره سوم با مجموعه‌ای از رسوایی‌های مالی در سطح بین‌المللی همراه بوده است. فروپاشی شرکت‌های بزرگی همچون انرون^۱ و ورلدکام^۲ در ایالات متحده به دلیل تقلب در سیستم‌های حسابداری و دستکاری در اسناد حسابداری و همچنین رسوایی‌های مالی در اروپا و آسیا، نگرانی‌هایی جدی را درباره کیفیت گزارشگری مالی و قابلیت اتکای صورت‌های مالی برانگیخته است. این رویدادها نگاه‌های انتقادی را متوجه حوزه حسابداری و گزارشگری مالی ساخته و این پرسش اساسی را مطرح کرده‌اند: آیا سود گزارش‌شده توسط شرکت‌ها بازتابی واقعی از عملکرد بنیادی آن‌ها است، یا صرفاً نتیجه دستکاری‌های حسابدارانه مدیران است. ریشه اصلی این نگرانی‌ها را می‌توان در قدرت مدیران برای تأثیرگذاری بر فرآیند گزارشگری مالی جستجو کرد. مدیران به واسطه آشنایی با عملیات شرکت و در اختیار داشتن اطلاعات نهانی، قادرند با بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری موجود در استانداردهای حسابداری، سود گزارش‌شده را در جهتی مطلوب خود هدایت کنند. این امکان که عمدتاً با استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود فراهم می‌شود، اعتماد عمومی به بازارهای سرمایه و نهادهای مالی را خدشه‌دار ساخته است (۱).

مدیریت سود به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که مدیران برای دستیابی به سطحی خاص از سود گزارش‌شده انجام می‌دهند. این اقدامات طیف وسیعی از رفتارها، از انتخاب رویه‌های حسابداری تا تغییر در زمان‌بندی فعالیت‌های واقعی شرکت را در بر می‌گیرد.

^۲ MCI, Inc. (formerly WorldCom and MCI WorldCom) was a telecommunications company

^۱ Enron Corporation (former New York Stock Exchange ticker symbol ENE)

که سود باثبات‌تری گزارش شود تا بدین‌صورت امنیت شغلی و پاداش خود را افزایش دهند (۵). در چارچوب این نظریه، حساب‌شویی به‌عنوان راهکاری برای انتقال سود از دوره‌های کم‌رونق به دوره‌های پررونق تعریف می‌شود (۴).

انگیزه‌های استفاده از این روش مدیریت سود متفاوت است. یک باور رایج این است که شرکت‌ها به‌منظور بهبود شهرت و جلب نظر سرمایه‌گذاران و بستانکاران خود از این روش استفاده می‌کنند. در بیشتر شرکت‌های بزرگ، مسئولیت گزارش‌های مالی به عهده مدیران است و این امر به آن‌ها انگیزه می‌دهد که گزارش‌ها را تحریف کنند تا اعتبار شرکت خود را افزایش دهند و از این منافع به نفع خود استفاده نمایند (۴). همچنین، گاهی مدیران از روش حمام بزرگ استفاده می‌کنند تا عملکرد ضعیف شرکت را به گردن مدیرعامل قبلی بیندازند و اعتبار پیشرفت‌های سال‌های آتی را از آن خود کنند. این موضوع به‌ویژه در زمان تغییر مدیران اجرایی اهمیت می‌یابد؛ مدیران جدید با برجسته‌سازی بدهی‌ها و مشکلات مالی دوره قبل، زمینه را برای نشان دادن عملکرد درخشان خود در آینده فراهم می‌کنند (۲). نکته مهم آنکه روش حمام بزرگ الزاماً غیرقانونی نیست، زیرا می‌توان آن را در محدوده قوانین جاری حسابداری به کار برد، با این حال بسیاری این روش را غیراخلاقی می‌دانند (۶).

صنعت ورزش در عصر حاضر، فراتر از یک پدیده اجتماعی و تفریحی، به مجموعه‌ای عظیم و پویا از فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شده است که جریان‌های مالی کلانی را در سطح ملی و بین‌المللی به خود جذب می‌کند. باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و به‌ویژه کمیته‌های ملی المپیک به‌عنوان عالی‌ترین رکن

ورزش هر کشور، مسئولیت خطیر هدایت، توسعه و پشتیبانی از کاروان‌های ورزشی در رویدادهای بزرگی همچون بازی‌های المپیک را بر عهده دارند. این جایگاه ویژه، مستلزم مدیریت شفاف، کارآمد و پاسخگو بر منابع مالی است. هرگونه ابهام، کاستی یا دست‌کاری در گزارش‌های مالی این نهادها، نه تنها بر عملکرد ورزشی، که بر اعتبار ملی و بین‌المللی آن کشور نیز سایه می‌افکند (۷).

ساختار ورزش کشور ایران ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. محیط حاکم بر فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک - اعم از محیط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی - بسیار پیچیده و تا حد زیادی غیرقابل‌پیش‌بینی است. فدراسیون‌های ورزشی علیرغم ماهیت حقوقی مستقل خود در اساسنامه، در عمل کاملاً تحت نظارت دولت بوده و وابستگی شدید مالی به منابع دولتی دارند. به‌جرات می‌توان ادعا کرد که بسیاری از آن‌ها به‌تنهایی قادر به ادامه حیات و بقا نیستند، چه برسد به اینکه بخواهند به اهداف کلان و خطیری در عرصه‌های ملی و بین‌المللی دست یابند. این وابستگی شدید به منابع دولتی، همراه با نبود سیستم‌های نظارتی کارآمد و گاه عدم شفافیت در فرآیندهای مالی، از جمله موانعی هستند که مسیر توسعه ورزش کشور را با دشواری مواجه ساخته‌اند (۸). محدود بودن پرتفوی منابع مالی، همواره ریسک تأمین به‌موقع منابع را افزایش داده و برنامه‌های حوزه ورزش را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است.

این وضعیت شکننده، به‌ویژه در دوره‌های حساسی مانند انتخابات هر چهار سال یکبار کمیته ملی المپیک و احتمال جابجایی هیئت اجرایی، آسیب‌پذیری سازمان را در برابر رفتارهای فرصت‌طلبانه افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی،

شود (۹). این مفهوم در سه بعد اصلی قابل بررسی است:

بعد ساختاری: این بعد به الگوی کلی ارتباطات بین اعضا در سازمان اشاره دارد و به این پرسشها پاسخ می‌دهد که افراد با چه کسانی ارتباط دارند و چگونه به یکدیگر دسترسی پیدا می‌کنند. حضور یا عدم حضور پیوندهای شبکه‌ای بین اعضا، پیکربندی شبکه و تیپ‌شناسی ارتباطات از مهم‌ترین جنبه‌های این بعد محسوب می‌شود (۹).

بعد ارتباطی: این بعد به نوع روابط شخصی که فرد با دیگران دارد و کیفیت این روابط اشاره می‌کند. اعتماد و قابلیت اعتماد، هنجارها و ضمانت‌ها، الزامات و انتظارات و هویت و شناسایی در زمره مهم‌ترین جنبه‌های این بعد به حساب می‌آیند. اعتماد به عنوان هسته مرکزی این بعد، نقش اساسی در کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش همکاری ایفا می‌کند (۹).

بعد شناختی: این بعد به میزانی که اعضای یک شبکه اجتماعی از چشم‌انداز و فهم مشترک برخوردارند، اشاره دارد. دو مؤلفه اصلی این بعد شامل اهداف مشترک (میزان فهم مشترک و تمایل به تحقق وظایف شبکه) و فرهنگ مشترک در میان اعضای سازمان (مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری نهادینه شده) است. این بعد تضمین می‌کند که اعضای سازمان یکدیگر را به درستی درک کنند و در جهت اهداف مشترک حرکت نمایند (۹).

سرمایه اجتماعی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش اعتماد و تقویت همکاری، می‌تواند به عنوان یک سازوکار حاکمیتی غیررسمی عمل کند. گوپتا و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند که با افزایش سرمایه

مدیران جدیدالورود ممکن است با استناد به منطق نظریه حساب شویی، انگیزه پیدا کنند تا وضعیت مالی کمیته ملی المپیک را بحرانی و بدهی‌های آن را بسیار بزرگ‌تر از آنچه هست نشان دهند. آن‌ها با شناسایی سریع هزینه‌ها و زیان‌های بالقوه در دوره جاری، بستری را فراهم می‌کنند تا در دوره‌های آتی، با کاهش هزینه‌ها و شناسایی درآمدهای انتقال‌یافته، عملکرد مالی بهتری را به ذی‌نفعان نمایش دهند. این پدیده که در ادبیات حسابداری با عنوان «شستن دارایی‌ها» یا «تبدیل آن‌ها به هزینه» شناخته می‌شود (۴)، می‌تواند به ارائه تصویری غیرواقعی از عملکرد مالی سازمان منجر شود و اعتماد ذی‌نفعان را خدشه‌دار سازد.

در برابر رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای که نظریه حساب شویی تبیین می‌کند، این پرسش اساسی مطرح می‌شود: چه عامل یا عواملی می‌توانند به عنوان یک مهارکننده درونی، از بروز چنین رفتارهایی جلوگیری کرده و کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا بخشند؟ در پاسخ، سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی نامشهود و مبتنی بر روابط، نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

سرمایه اجتماعی که توسط اندیشمندانی چون کلمن، پوتنام و بوردیو وارد ادبیات علوم اجتماعی شد، در حوزه مدیریت و سازمان نیز کاربرد گسترده‌ای یافته است. بر اساس دیدگاه ناهاپیت و گوشال^۱ (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مستتر در روابط اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل می‌کند و می‌تواند منجر به خلق ارزش برای سازمان

^۱Nahapiet, J., & Ghoshal, S

اجتماعی، ریسک نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با سرمایه اجتماعی بالا، با مشکلات نمایندگی کمتری مواجه هستند و در نتیجه، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در این شرکت‌ها محدودتر می‌شود (۱۰). در سازمان‌های ورزشی، سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند منجر به شفافیت بیشتر، کاهش فساد و بهبود پاسخگویی شود. به عبارت دیگر، در سازمانی با سرمایه اجتماعی بالا، اعضا به دلیل اشتراک ارزش‌ها و اعتماد متقابل، احتمالاً در برابر دست‌کاری اطلاعات و پنهان‌کاری مقاومت کرده و بر شفافیت مالی پافشاری می‌نمایند.

پیشینه پژوهش نیز مؤید ارتباط سرمایه اجتماعی با کیفیت گزارشگری مالی است. مطالعات متعدد در حوزه حسابداری و مدیریت نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با کاهش ریسک نمایندگی و هزینه سرمایه به بهبود کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌شود (۱۰، ۱۱). لمبرت و راثو (۲۰۱۹) معتقدند که افشای اطلاعات از طریق بهبود ادراک سرمایه‌گذاران و تأثیر بر تصمیمات واقعی، بر هزینه سرمایه تأثیر می‌گذارد (۱۲). پفزنر و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که سرمایه اجتماعی با کاهش انتخاب ناسازگار و خطر اخلاقی، به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک می‌کند (۱۱).

کاررا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی کمیته‌های حسابرسی، تأثیر مثبتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد (۱۳). در حوزه ورزش، اگرچه تحقیقات محدودتر است، اما پژوهش‌هایی مانند مطالعه ابراهیمی (۱۴۰۱) نشان داد که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر متغیرهای حسابداری و گزارشگری مالی اثرگذار

باشد (۱۴). همچنین، بر اساس یافته‌های تحقیق گودرزی (۱۳۹۶) مدیریت مالی مطلوب در فدراسیون‌های ورزشی متأثر از ۴ عامل مستقل بوده است که عامل توجه به ذینفعان شامل حسابداری و گزارش دهی است (۱۵) و پژوهش‌های مرتبط با گزارشگری مالی در باشگاه‌های ورزشی نیز حاکی از آن است که تدوین و ارائه اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر تهیه صورت‌های مالی دارد و رعایت استانداردهای حسابداری می‌تواند به ارائه منصفانه اطلاعات منجر شود (۱۶).

با این حال، یک شکاف پژوهشی عمیق در زمینه بررسی هم‌زمان سرمایه اجتماعی و نظریه حساب‌شویی در سازمان‌های ورزشی، به‌ویژه در بافت منحصربه‌فرد کمیته ملی المپیک ایران با ساختار سیاسی-اجتماعی پیچیده‌اش، کاملاً مشهود است که ضرورت انجام این پژوهش را از چند جهت قابل توجیه می‌نماید: نخست، از منظر نظری، این مطالعه به پر کردن شکاف موجود در ادبیات مدیریت ورزشی و مالی می‌پردازد و برای اولین بار به بررسی هم‌زمان سرمایه اجتماعی و نظریه حساب‌شویی در بستر سازمان‌های ورزشی می‌پردازد. دوم، از منظر عملیاتی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند رهنمودهایی ارزشمند برای سیاست‌گذاران، مدیران و ذی‌نفعان ورزش کشور به منظور ارتقای سلامت اداری، شفافیت مالی و در نهایت، توسعه پایدار ورزش فراهم آورد. سوم، با توجه به وابستگی شدید کمیته ملی المپیک به منابع دولتی و اهمیت شفافیت در مصرف این منابع، نتایج پژوهش می‌تواند به بهبود فرآیندهای نظارتی و کاهش فساد مالی در ورزش کشور کمک کند.

پرسش اساسی این پژوهش این است که آیا سرمایه اجتماعی می‌تواند در دوره‌های بحرانی که

انگیزه برای حساب‌شویی بیشتر است، به‌عنوان یک سپر دفاعی عمل کرده و از کیفیت گزارش‌های مالی صیانت کند؟ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی اعضای هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک چگونه می‌تواند در بروز یا پرهیز از رفتارهای حساب‌شویی تأثیرگذار باشد؟

با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش، طراحی الگویی برای تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک ایران با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری نظریه حساب‌شویی است لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی بود که آیا سرمایه اجتماعی (و ابعاد ساختاری، ارتباطی و شناختی آن) می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده، از بروز رفتارهای حساب‌شویی در گزارش‌گری مالی کمیته ملی المپیک جلوگیری کرده و یا شدت آن را تعدیل نماید؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش اجرا، از نوع پژوهش‌های آمیخته (ترکیبی) با طرح اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) است. این طرح به محقق امکان می‌دهد تا ابتدا با اکتشاف عمیق پدیده در بستر ورزش، مدل اولیه را طراحی و سپس آن را در جامعه گسترده‌تر آزمون نماید.

جامعه هدف بخش کیفی شامل اساتید برجسته مدیریت ورزشی و حسابداری، اعضای با سابقه مجمع کمیته ملی المپیک و مدیران ارشد فدراسیون‌های ورزشی بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله‌برفی انجام شد و فرآیند مصاحبه‌های

نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در نهایت با ۱۵ نفر از خبرگان مصاحبه صورت گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از روش تحلیل مضمون (تماتیک) و با کمک نرم‌افزار مکس کیودا^۱ کدگذاری و تحلیل شدند. هدف از این بخش، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بومی شده سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در بستر ورزش ایران و نیز تدوین مدل اولیه پژوهش بود.

جامعه آماری بخش کمی را کلیه اعضای مجمع عمومی کمیته ملی المپیک ایران در دوره هشت‌ساله ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ تشکیل دادند (۱۴۷ نفر). انتخاب اعضای مجمع به‌عنوان جامعه هدف، به دلیل جایگاه آن‌ها به‌عنوان رکن عالی تصمیم‌گیری و نظارت در کمیته است که مستقیماً در جریان فرآیندهای مالی بوده و دیدگاهی جامع نسبت به تعاملات و ساختارهای موجود دارند. با توجه به محدود بودن حجم جامعه و برای افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها، از روش تمام‌شماری استفاده شد. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و پس از هماهنگی با دبیر کل وقت کمیته، در جریان برگزاری مجمع و به صورت انفرادی بین اعضا توزیع گردید. دسترسی به این افراد با استفاده از جایگاه عضویت پژوهشگر در مجمع عمومی کمیته ملی المپیک میسر شد. از ۱۴۷ پرسشنامه توزیع شده، ۱۲۱ پرسشنامه کامل و قابل قبول (نرخ بازگشت ۸۲/۳ درصد) جمع‌آوری و مبنای تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش: ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق‌ساخته بود که بر اساس یافته‌های بخش کیفی و ادبیات نظری تدوین شد

مدل‌سازی معادلات ساختاری^۳ برای طراحی الگوی نهایی با نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۳

۳. سطح کیفی: تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با خبرگان با استفاده از کدگذاری موضوعی در مکس کیودا.

پژوهش حاضر با رعایت کامل اصول اخلاقی اخذ رضایت آگاهانه از کلیه مشارکت‌کنندگان، حفظ محرمانگی اطلاعات و ناشناس ماندن پاسخ‌دهندگان، ارائه گواهی عدم سوگیری محقق و رعایت اصول صداقت علمی در گزارش‌دهی یافته‌ها انجام شده است.

این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است: محدودیت دسترسی به برخی اطلاعات مالی محرمانه، چالش‌های هماهنگی با اعضای مجمع عمومی و محدودیت زمانی بازه پژوهش (۸ سال) که با اتخاذ راهکارهای مناسب سعی در کاهش اثرات آن‌ها شده است.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های کیفی و کمی به ترتیب و به صورت منظم ارائه می‌گردد. ابتدا یافته‌های توصیفی مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری، سپس یافته‌های بخش کیفی (تحلیل مصاحبه‌ها) و در ادامه یافته‌های بخش کمی شامل بررسی روایی سازه، آزمون فرضیه‌های مستقیم و آزمون اثر تعدیل‌گری نظریه حساب‌شویی

سرمایه اجتماعی: پرسشنامه ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) با ۲۸ گویه و سه بعد ساختاری، ارتباطی و شناختی. نمره‌دهی بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) انجام شد (۹).

گزارشگری مالی: پرسشنامه ۲۲ گویه‌ای برگرفته از مطالعه فردی ون (۲۰۱۷) و یافته‌های کیفی که ابعاد شفافیت، دقت، به‌موقع بودن و رعایت استانداردها را می‌سنجد (۱۷). این مقیاس بر مبنای طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم گردید.

نظریه حساب‌شویی (بیگ بث): مقیاس ۶ گویه‌ای محقق‌ساخته (برگرفته از مصاحبه‌ها و ادبیات نظری) برای سنجش تمایل مدیران به دستکاری سود در دوره‌های بحرانی (۱۸).

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها با نظر ۷ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و حسابداری تأیید شد. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۳ بررسی و تأیید گردید. پایایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (برای کل پرسشنامه ۰٫۹۷) و پایایی ترکیبی (CR) برای همه سازه‌ها بالاتر از ۰٫۷ محاسبه شد که مطلوب است.

تحلیل داده‌ها در سه سطح انجام شد:

۱. سطح توصیفی: با استفاده از شاخص‌های میانگین، انحراف معیار و جداول توزیع فراوانی.

۲. سطح استنباطی: آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن برای بررسی روابط، تحلیل رگرسیون چندمتغیره با رویکرد حداقل مربعات جزئی^۲ و

^۳Structural Equation Modeling (SEM)

1. Smart PLS 3

^۲Partial Least Squares (PLS)

(بیگ بث) گزارش می‌شود. در پایان، مدل نهایی پژوهش ارائه خواهد گردید.

از مجموع ۱۲۱ پرسشنامه قابل قبول که مبنای تحلیل قرار گرفت، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است:

توزیع سنی: ۴۲/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سن بالای ۵۴ سال، ۳۱ درصد در بازه سنی ۴۱ تا ۵۴ سال، ۲۲/۵ درصد در بازه ۳۵ تا ۴۰ سال و ۴ درصد کمتر از ۳۴ سال سن داشتند. این توزیع نشان‌دهنده حضور طیف متنوعی از گروه‌های سنی با غلبه افراد با تجربه در مجمع عمومی کمیته ملی المپیک است.

سابقه عضویت: ۹۱/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای بیش از ۱۱ سال سابقه عضویت در کمیته ملی المپیک بودند. ۵ درصد بین ۷ تا ۱۴ سال و ۳/۶ درصد کمتر از ۶ سال سابقه عضویت داشتند. سطح بالای سابقه عضویت، نشان‌دهنده آشنایی عمیق پاسخ‌دهندگان با ساختارها، فرآیندها و چالش‌های کمیته ملی المپیک است که به اعتبار یافته‌ها می‌افزاید.

سطح تحصیلات: ۵۹/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر، ۳۲/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۸ درصد دارای مدرک دکتری بودند. این توزیع نشان‌دهنده سطح بالای دانش و تخصص پاسخ‌دهندگان است که قضاوت آن‌ها را در خصوص موضوع پژوهش (سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی) از اعتبار لازم برخوردار می‌سازد.

تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان (اساتید مدیریت ورزشی و حسابداری، اعضای با سابقه مجمع و مدیران ارشد فدراسیون‌ها) با استفاده از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار مکس کیودا منجر به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در بستر ورزش ایران گردید.

مضامین مرتبط با سرمایه اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۱۸ مضمون فرعی و ۳ مضمون اصلی برای سرمایه اجتماعی شد که ابعاد سه‌گانه مدل ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) را در بافت ورزش ایران تأیید و بومی‌سازی می‌کند (۹):

مضمون اصلی (بعد)	مضامین فرعی (مؤلفه‌ها)
بعد ساختاری	شبکه‌های ارتباطی غیررسمی بین اعضای مجمع، تعاملات بین‌بخشی با فدراسیون‌ها، ارتباطات بین‌المللی کمیته، دسترسی به منابع اطلاعاتی، پیوندهای سازمانی با نهادهای دولتی
بعد ارتباطی	اعتماد متقابل بین اعضا، احترام و منزلت اجتماعی، هنجارهای همکاری جمعی، تعهدات اخلاقی متقابل، وفاداری به اهداف کمیته، حس تعلق سازمانی
بعد شناختی	درک مشترک از چالش‌های ورزش، اشتراک ارزش‌های اخلاقی، زبان و گفتمان مشترک حرفه‌ای، اهداف و چشم‌انداز مشترک، دانش مشترک از قوانین و مقررات

مضامین مرتبط با گزارشگری مالی

برای گزارشگری مالی در بستر ورزش ایران، ۱۲
مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی شناسایی گردید:

مضمون اصلی (بعد)	مضامین فرعی (مؤلفه‌ها)
شفافیت و افشا	افشای کامل منابع دریافتی، شفافیت در هزینه‌کرد بودجه، گزارش‌دهی به ذی‌نفعان (وزارت ورزش، کمیته بین‌المللی المپیک)، انتشار عمومی گزارش‌ها
رعایت قوانین و مقررات	انطباق با استانداردهای حسابداری، رعایت قوانین مالی کمیته، پیروی از مقررات بین‌المللی (IOC)، تطابق با قوانین مالیاتی و کار
دقت و قابلیت اتکا	صحت ارقام گزارش‌شده، مستندسازی کامل هزینه‌ها، قابلیت راستی‌آزمایی، عدم تحریف عمدی اطلاعات
زمان‌شناسی مهم	ارائه به‌موقع گزارش‌های ادواری، گزارش‌دهی در موعد مقرر به مجمع، اطلاع‌رسانی سریع رویدادهای مالی

شرایط مرتبط با نظریه حساب‌شویی در ورزش

خبرگان به شرایط و موقعیت‌هایی اشاره کردند که در آن‌ها احتمال بروز رفتارهای حساب‌شویی در کمیته ملی المپیک افزایش می‌یابد. این شرایط به‌عنوان مضامین فرعی استخراج و در طراحی مقیاس محقق‌ساخته برای سنجش نقش تعدیل‌گر نظریه حساب‌شویی مورد استفاده قرار گرفت (۱۸):

- تغییر مدیریت کمیته (انتخابات دوره‌ای و جابجایی هیئت اجرایی)
- کاهش شدید بودجه دولتی (به دلیل شرایط اقتصادی کشور)
- شکست در کسب سهمیه یا نتایج ضعیف در رویدادهای مهم (مانند المپیک)
- بحران‌های مالی و بدهی‌های انباشته
- فشار برای نشان دادن عملکرد مثبت در ابتدای دوره مدیریت جدید

▪ ابهام در قوانین و مقررات مالی

بررسی روایی سازه و برازش مدل اندازه‌گیری

پیش از آزمون فرضیه‌ها، روایی و پایایی سازه‌های پژوهش با استفاده از معیارهای زیر بررسی گردید:
روایی همگرا: میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای تمام سازه‌ها محاسبه شد. مقادیر AVE برای سرمایه‌اجتماعی (۰/۵۸)، ابعاد آن (بعد ساختاری: ۰/۵۴، بعد ارتباطی: ۰/۵۶، بعد شناختی: ۰/۶۲)، گزارشگری مالی (۰/۶۰) و حساب‌شویی (۰/۵۳) بالای حداقل قابل‌قبول (۰/۵۰) به‌دست آمد که نشان‌دهنده روایی همگرای مطلوب ابزارهاست.

پایایی ترکیبی: ضرایب پایایی ترکیبی (CR) برای همه سازه‌ها بالای ۰/۷۰ محاسبه شد (دامنه بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۱) که بیانگر پایایی مناسب مدل اندازه‌گیری است.

آزمون فرضیه‌های مستقیم (اثرات اصلی)

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس ۳ استفاده شد. نتایج در جدول ۱ خلاصه شده است:

بارهای عاملی: کلیه بارهای عاملی گویه‌ها بالاتر

از ۰/۶۰ به دست آمد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($p < ۰/۰۱$) معنادار بود ($t > ۲/۵۸$). از این رو، مدل اندازه‌گیری از اعتبار لازم برای آزمون فرضیه‌ها برخوردار است.

جدول ۱. نتایج آزمون فرضیه‌های مستقیم

فرضیه	مسیر	ضریب مسیر (β)	انحراف معیار	آماره t	نتیجه
اصلی	سرمایه اجتماعی → گزارشگری مالی	۰/۶۲	۰/۰۷	۸/۹۴	تأیید
فرعی ۱	بعد ارتباطی → گزارشگری مالی	۰/۲۸	۰/۰۷	۳/۹۴	تأیید
فرعی ۲	بعد ساختاری → گزارشگری مالی	۰/۳۶	۰/۰۸	۴/۲۹	تأیید
فرعی ۳	بعد شناختی → گزارشگری مالی	۰/۵۵	۰/۰۷	۷/۳۷	تأیید

یافته‌های ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد:

- فرضیه اصلی: سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک دارد ($\beta = ۰/۶۲$ ، $p < ۰/۰۱$). این یافته مؤید آن است که با افزایش سرمایه اجتماعی در بین اعضای مجمع و مدیران، کیفیت گزارش‌های مالی بهبود می‌یابد.

- فرضیه فرعی اول: بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی دارد ($\beta = ۰/۲۸$ ، $p < ۰/۰۱$). اعتماد و روابط مبتنی بر احترام متقابل میان اعضا، زمینه‌ساز شفافیت و دقت بیشتر در گزارش‌های مالی می‌شود.

- فرضیه فرعی دوم: بعد ساختاری سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی

دارد ($\beta = ۰/۳۶$ ، $p < ۰/۰۱$). وجود شبکه‌های ارتباطی مؤثر و ساختار منسجم تعاملات، فرآیند نظارت و کنترل بر گزارش‌های مالی را تسهیل می‌کند.

- فرضیه فرعی سوم: بعد شناختی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی دارد ($\beta = ۰/۵۵$ ، $p < ۰/۰۱$). اشتراک دانش، ارزش‌ها و درک مشترک از اهمیت شفافیت مالی، قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده کیفیت گزارشگری مالی در میان ابعاد سه‌گانه است.

ضریب تعیین (R^2): مقدار R^2 برای سازه گزارشگری مالی برابر با ۰/۵۱ به دست آمد. این بدان معناست که متغیر سرمایه اجتماعی (و ابعاد آن) ۵۱ درصد از واریانس گزارشگری مالی را در کمیته ملی المپیک

تبیین می‌کنند که مقداری قابل توجه و نشان‌دهنده قدرت تبیین‌کنندگی بالای مدل است.

آزمون اثر تعدیل‌گری نظریه حساب‌شویی

برای آزمون فرضیه تعدیل‌گری (نقش نظریه حساب‌شویی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و

گزارشگری مالی)، از روش حاصل ضرب سازه‌ها در PLS استفاده شد. بدین منظور، اثر تعاملی (سرمایه اجتماعی $\times$ حساب‌شویی) به مدل ساختاری اضافه و معناداری آن بررسی گردید. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون اثر تعدیل‌گری

مسیر	ضریب مسیر (β)	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (p)	نتیجه
سرمایه اجتماعی $\rightarrow$ گزارشگری مالی	۰/۵۸	۰/۰۸	۷/۲۶	۰/۰۰۰۱	معنادار
حساب‌شویی $\rightarrow$ گزارشگری مالی	-۰/۱۲	۰/۰۶	۲/۰۱	۰/۰۴۵	معنادار
اثر تعاملی (سرمایه اجتماعی $\times$ حساب‌شویی) $\rightarrow$ گزارشگری مالی	-۰/۱۵	۰/۰۶	۲/۴۱	۰/۰۱۶	تعدیل‌گری تأیید شد

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد:

اثر تعاملی سرمایه اجتماعی و حساب‌شویی بر گزارشگری مالی در سطح ۰/۰۵ معنادار است ($t=41/2, p=0/016$). علامت منفی ضریب (-۰/۱۵) نشان می‌دهد که وجود شرایط حساب‌شویی (دوره‌های بحرانی)، رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی را تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، در شرایط عادی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت قوی بر گزارشگری مالی دارد، اما در دوره‌های بحرانی مانند تغییر مدیریت یا کاهش شدید بودجه که انگیزه برای حساب‌شویی افزایش می‌یابد، این تأثیر مثبت کاهش می‌یابد؛ بدین معنا که حتی در سطوح بالای سرمایه اجتماعی، کیفیت گزارش‌های مالی ممکن است در دوره‌های بحرانی افت کند. این یافته، اهمیت نظارت دقیق‌تر در دوره‌های انتقال مدیریت و بحران‌های مالی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد

که سرمایه اجتماعی به تنهایی نمی‌تواند در همه شرایط از کیفیت گزارشگری مالی صیانت کند.

بر اساس یافته‌های بخش کیفی و کمی، مدل نهایی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است. این مدل شامل سه بخش اصلی است:

۱. متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی): با سه بعد ساختاری، ارتباطی و شناختی که هر یک با مؤلفه‌های بومی شده در بخش کیفی، بر گزارشگری مالی اثر می‌گذارند.

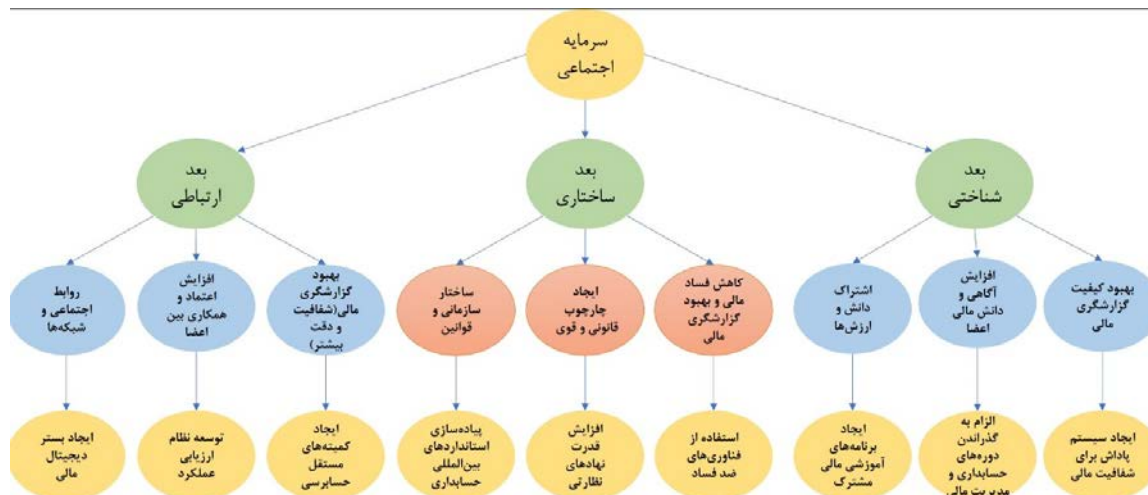
۲. متغیر وابسته (گزارشگری مالی): با چهار بعد شفافیت و افشا، رعایت قوانین، دقت و قابلیت اتکا، و زمان‌شناسی.

۳. متغیر تعدیل‌گر (نظریه حساب‌شویی): که رابطه بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی را تعدیل می‌کند.

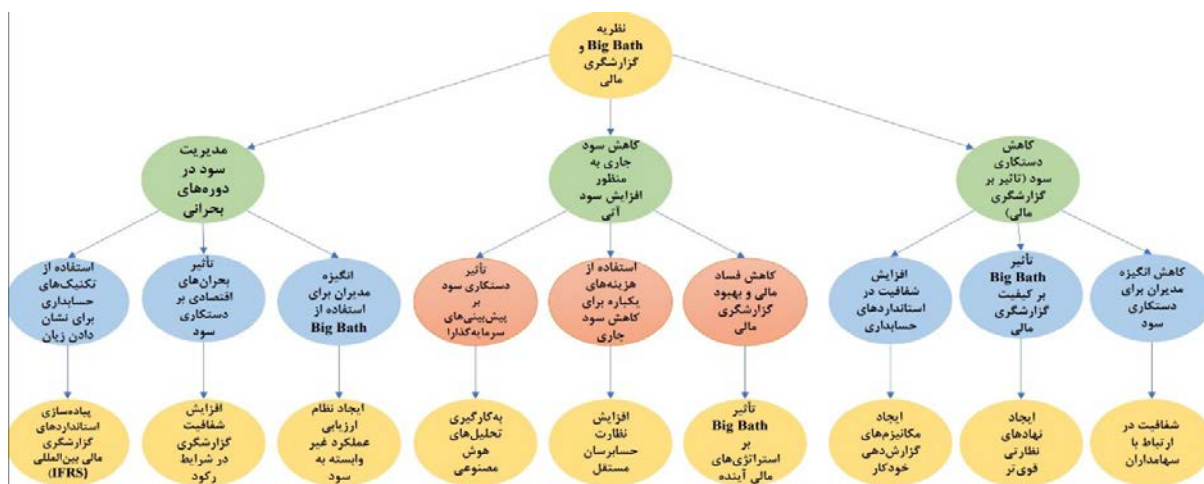
ضرایب مسیر استاندارد شده و مقدار R^2 بر روی مدل درج شده است: • اثر تعدیلگری حساب شویی: $-۰/۱۵$ (کاهنده رابطه)

• اثر مستقیم سرمایه اجتماعی بر گزارشگری مالی: $۰/۵۱$ مقدار R^2 برای گزارشگری مالی: $۰/۶۲$ (در شرایط عادی)

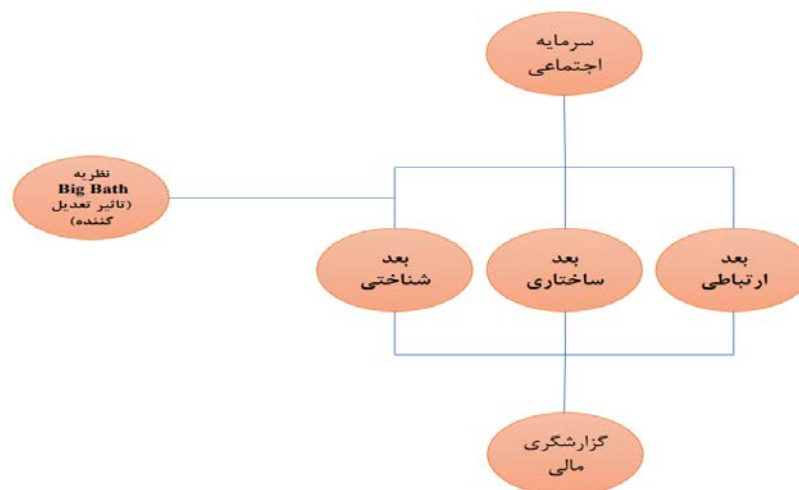
الگوی ارتباطی :



الگوی شماره ۱. مدل مفهومی سرمایه اجتماعی



الگوی شماره ۲. نظریه Big Bath و گزارشگری مالی



الگوی شماره ۳. نمودار الگوی ارتباطی

مالی را تضعیف می‌کند؛ به این معنا که در دوره‌های بحرانی، تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر کیفیت گزارش‌های مالی کاهش می‌یابد.

۴. مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بوده و ۵۱ درصد از واریانس گزارشگری مالی را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، طراحی الگویی برای تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک ایران با تأکید بر نقش تعدیل‌گری نظریه حساب‌شویی (بیگ بث) بود. یافته‌های پژوهش در دو بخش کیفی و کمی، ضمن تأیید این روابط، تصویر روشن‌تری از چگونگی اثرگذاری این سازه‌ها در بستر منحصربه‌فرد سازمان‌های ورزشی ایران ارائه داد. در این بخش، ابتدا یافته‌های کلیدی در چارچوب نظری و پیشینه پژوهش تفسیر شده، سپس دلالت‌های نظری و عملی آن

این الگو نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از طریق ابعاد مختلف خود (ارتباطی، ساختاری و شناختی) می‌تواند بر گزارشگری مالی تأثیر بگذارد. همچنین، نظریه بیگ بث به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده در این رابطه عمل می‌کند و می‌تواند در دوره‌های بحرانی بر نحوه گزارش‌های مالی تأثیر بگذارد. این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی برای بهبود گزارشگری مالی در سازمان‌های ورزشی مانند کمیته ملی المپیک مورد استفاده قرار گیرد.

به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد:

۱. سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن (ساختاری، ارتباطی، شناختی) تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک ایران دارند.

۲. بعد شناختی سرمایه اجتماعی (اشتراک دانش و ارزش‌ها) قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده گزارشگری مالی است.

۳. نظریه حساب‌شویی به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر، رابطه بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری

بررسی و در پایان، پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌گردد.

نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک دارد. این یافته با پژوهش‌های پیشین در حوزه حسابداری و مدیریت گوپتا و همکاران، (۲۰۱۸)، کاررا و همکاران، (۲۰۱۷) همسو بوده و آن را به سازمان‌های ورزشی تعمیم می‌دهد (۱۰ و ۱۳). سرمایه اجتماعی بالا با ایجاد فضایی از اعتماد (بعد ارتباطی)، اعضای کمیته را به رعایت هنجارهای شفافیت و پاسخگویی ترغیب می‌کند. وجود شبکه‌های ارتباطی قوی (بعد ساختاری) و اشتراک دانش و ارزش‌ها (بعد شناختی) میان اعضای مجمع، فضا را برای هرگونه رفتار فرصت‌طلبانه مانند پنهان‌کاری یا دستکاری اطلاعات ناامن ساخته و نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی اعمال می‌کند. این مکانیسم‌ها در نهایت به ارتقای کیفیت گزارش‌های مالی می‌انجامد.

بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی نشان داد که بعد شناختی (با ضریب ۰/۵۵) قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده گزارشگری مالی است. این یافته حائز اهمیت ویژه‌ای است؛ چرا که نشان می‌دهد اشتراک درک، تفسیر و سیستم‌های ارزشی میان اعضای مجمع، بیش از روابط صرفاً ساختاری یا احساسی، بر نحوه گزارش‌دهی مالی تأثیر می‌گذارد. زمانی که مدیران و ذی‌نفعان درک مشترکی از اهمیت شفافیت و پیامدهای منفی گزارش‌های نادرست داشته باشند، احتمال پایبندی به اصول حسابداری و افشای صادقانه اطلاعات افزایش می‌یابد. این یافته با دیدگاه پفزنر و همکاران (۲۰۱۵) که سرمایه اجتماعی را عامل

کاهش انتخاب ناسازگار و خطر اخلاقی می‌دانند، همخوانی دارد (۱۱).

مهم‌ترین یافته این پژوهش، تأیید نقش تعدیل‌گر نظریه حساب‌شویی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی بود. یافته‌ها نشان داد در شرایط بحرانی که مدیران انگیزه بیشتری برای دستکاری سود دارند (مانند تغییر مدیریت یا کاهش شدید بودجه)، تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر گزارشگری مالی تضعیف می‌شود. علامت منفی ضریب تعدیل‌گری (۰/۱۵-) به وضوح نشان می‌دهد که در دوره‌های بحرانی، حتی اگر سرمایه اجتماعی در سطح بالایی باشد، کیفیت گزارش‌های مالی ممکن است کاهش یابد.

این یافته یک هشدار جدی برای نهادهای نظارتی است. اگرچه سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک سپر دفاعی در برابر فساد مالی عمل کند، اما در طوفان‌های سهمگین بحران‌های مالی یا تغییرات مدیریتی، این سپر ممکن است کارایی خود را از دست بدهد. در کمیته ملی المپیک، در آستانه انتخابات یا هنگام مواجهه با کاهش شدید بودجه دولتی (که به گفته مصاحبه‌شوندگان بارها رخ داده است)، حتی مدیرانی که از اعتماد و روابط بالایی برخوردارند، ممکن است برای حفظ موقعیت خود یا نشان دادن عملکرد بهتر در آینده، به سمت رفتارهای حساب‌شویی متمایل شوند. این یافته، اهمیت وجود مکانیزم‌های نظارتی رسمی و قوی در کنار سرمایه اجتماعی را آشکار می‌سازد (۱۸).

این پژوهش از منظر نظری، چندین دستاورد مهم دارد:

نخست، با بومی‌سازی ابعاد سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در بستر ورزش ایران، چارچوب نظری ناهایت و گوشال (۱۹۹۸) را در حوزه جدیدی توسعه داده است (۹). مضامین فرعی شناسایی شده (مانند «ارتباطات بین‌المللی کمیته» برای بعد ساختاری یا «تعهدات اخلاقی متقابل» برای بعد ارتباطی) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سازمان‌های ورزشی دارای ویژگی‌های خاصی است که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

دوم، این پژوهش برای اولین بار به بررسی هم‌زمان سرمایه اجتماعی و نظریه حساب‌شویی در سازمان‌های ورزشی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظریه حساب‌شویی که ریشه در ادبیات حسابداری دارد، در نهادهای ورزشی نیز قابل کاربست است و می‌تواند به درک بهتری از رفتار مدیران در دوره‌های بحرانی منجر شود.

سوم، تأیید نقش تعدیل‌گری حساب‌شویی، مرزهای نظری موجود را گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر گزارشگری مالی **مطلق و بدون قید و شرط** نیست، بلکه تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای (مانند بحران‌ها) قرار می‌گیرد. این یافته می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی در زمینه شناسایی سایر متغیرهای تعدیل‌گر قرار گیرد.

یافته‌های این پژوهش برای سیاست‌گذاران و مدیران ورزش کشور دارای دلالت‌های عملی مهمی است. بر اساس الگوی نهایی پژوهش، بهبود گزارشگری مالی در کمیته ملی المپیک نیازمند یک رویکرد چندگانه است:

۱. تقویت سرمایه اجتماعی: برنامه‌های منسجمی برای ایجاد اعتماد متقابل، توسعه شبکه‌های

ارتباطی مؤثر و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شفافیت در میان اعضای مجمع و مدیران اجرایی طراحی و اجرا شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشترک، ایجاد بسترهای تعامل غیررسمی و تدوین منشور اخلاقی سازمانی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. تأکید ویژه بر **بعد شناختی** به دلیل قدرت تبیین‌کنندگی بالای آن، ضروری است؛ یعنی ایجاد درک مشترک از اهمیت شفافیت مالی و پیامدهای منفی فساد.

۲. استقرار نظام نظارتی هوشمند: با توجه به تضعیف اثر سرمایه اجتماعی در دوره‌های بحرانی، وجود مکانیزم‌های نظارتی رسمی که در این دوره‌ها (به‌ویژه زمان تغییر مدیران یا کاهش بودجه) فعال‌تر شوند، حیاتی است. این نظام نظارتی باید شامل حسابرسی‌های ویژه، الزام به گزارش‌دهی شفاف و برخط، و تشدید پیگیری تخلفات در این دوره‌ها باشد.

۳. کاهش وابستگی به منابع دولتی: وابستگی شدید کمیته ملی المپیک به بودجه دولتی، آسیب‌پذیری آن را در برابر بحران‌های اقتصادی افزایش می‌دهد. جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از طریق بهبود کیفیت محصولات ورزشی و افزایش شفافیت مالی، می‌تواند به تقویت استقلال مالی و کاهش انگیزه برای رفتارهای حساب‌شویی منجر شود.

۴. شفاف‌سازی گزارش‌های مالی: ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف و قابل دسترس برای ذی‌نفعان (وزارت ورزش، کمیته بین‌المللی المپیک، ورزشکاران و عموم مردم) می‌تواند به افزایش اعتماد و کاهش فساد کمک کند. انتشار عمومی گزارش‌های مالی در وب‌سایت کمیته، گامی مهم در این مسیر است.

مسئله باعث عدم هماهنگی میان ارگان‌های مختلف، اقدامات پراکنده‌ی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، و هدررفت گسترده‌ی منابع مالی و مادی در ورزش کشور شده است. علاوه بر این، هر ارگان و سازمان دولتی و خصوصی، به بهانه‌ی توسعه‌ی ورزش، امور فرهنگی یا بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی، بخشی از درآمد خود را به ورزش اختصاص می‌دهد، که این روند بدون برنامه‌ریزی و هماهنگی، به ناکارآمدی بیشتر منجر می‌شود. قطعاً بسترسازی برای خودکفایی مالی کمیته ملی المپیک از طریق سیاست‌گذاری‌های مناسب و مدیریت صحیح دولت امکان‌پذیر خواهد بود.

سیاسگزاری

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از کلیه افرادی و مؤسساتی که در طول انجام پژوهش، مخصوصاً برای جمع‌آوری اطلاعات لازم ایشان را همراهی نموده‌اند، مخصوصاً اعضای مجمع عمومی کمیته ملی المپیک کشور که با همکاری صمیمانه وقت گراندیشان را در اختیار تیم پژوهش قرار دادند، تشکر و قدردانی نمایند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود. دسترسی به اطلاعات مالی محرمانه و چالش‌های هماهنگی با اعضای مجمع از جمله این محدودیت‌هاست. همچنین، بازه زمانی هشت ساله پژوهش ممکن است تمام فراز و نشیب‌های مالی کمیته را پوشش ندهد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

- مدل ارائه‌شده در فدراسیون‌های ورزشی و باشگاه‌ها نیز آزمون شود.
- تأثیر سایر متغیرهای تعدیل‌گر مانند فرهنگ سازمانی، فشارهای سیاسی یا رسانه‌ای بررسی گردد.

- با رویکردهای طولی، تغییرات سرمایه اجتماعی و گزارشگری مالی در دوره‌های مختلف مدیریتی مقایسه شود.

در پایان، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی دارای ارزشمندی برای ارتقای شفافیت مالی در کمیته ملی المپیک است، اما برای مصون‌ماندن از رفتارهای فرصت‌طلبانه در دوره‌های بحرانی، نیاز به نظام‌های نظارتی رسمی و هوشمند کاملاً محسوس است. ترکیب این دو (سرمایه اجتماعی قوی و نظارت کارآمد) می‌تواند سلامت مالی و اداری ورزش کشور را تضمین کند.

در شرایط رکود اقتصاد ملی و کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، اقتصاد دولتی و وابسته‌ی ایران بدون گردش صحیح مالی و مدیریت بهینه‌ی هزینه‌ها و درآمدها، نمی‌تواند به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی ورزشی باشد. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که ورزش کشور با آن مواجه است، ساختار نامناسب و ضعف در یکپارچگی نظام ورزشی است که ناشی از مدیریت نادرست و نبود گردش مالی مناسب است. این

References

1. Hejazi R, Masoumi Bailandi Z. The Effect of Growth and Behavior of Managerial Reporting on Conservatism. *Danesh Account J.* 2012;2(6):111-128.
2. Cheng Y, Park J, Pierce S, Zhang T. Big bath accounting following natural disasters. 2019 [cited 2026 Jul 23]. Available from: <https://ssrn.com/abstract=3305478>
3. Bou-Hamdan R, Guinez Reveco L. Big Bath Accounting: Existerar fenomenet på NASDAQ OMX Stockholmsbörsen Large Cap [master's thesis]. [Stockholm]: [s.n.]; 2012.
4. Khalid M, Abbas Q, Nazir MS. Efficiently monitoring the ship of financially distressed companies sinking in Iron law of earnings management: Evidence from Pakistan. *Cogent Econ Finance.* 2020;8(1):1838685.
5. Baradaran Hassanzadeh R, Taghizadeh Khanaghah V. The Effect of Agency Costs on Investment Behavior. *Financ Account Audit Res.* 2016;8(32):139-163.
6. Ek T, Lind J. En eventstudie om aktiemarknadens acceptans av Big bath [bachelor's thesis]. 2011.
7. Ehsani M. Study the professional sport in Iran. In: *Proceedings of the National Congress of Sport Management*; 2009; Tehran, Iran. National Olympic Committee of Iran.
8. Taslimi Z, Hemmati Nejad M, Gholizadeh MH, Pasvar MH. A framework for financing grassroots sports federations with a focus on self-sufficiency. *Sports Manag Dev.* 2019;8(4):41-50.
9. Nahapiet J, Ghoshal S. Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Acad Manage Rev.* 1998;23(2):242-266.
10. Gupta A, Raman K, Shang C. Social Capital and the Cost of Equity. *J Bank Financ.* 2018;87:102-117.
11. Pevzner M, Xie F, Xin X. When Firms Talk, Do Investors Listen? The Role of Trust in Stock Market Reactions to Corporate Earnings Announcements. *J Financ Econ.* 2015;117:190-223.
12. Lampert E, Rao S. Social Capital and Financial Development after Economic Shocks: Evidence from Italy after the Financial Crisis of 2007-2009. [working paper]. 2019.
13. Carrera N, Sohail T, Carmona S. Audit committees' social capital and financial reporting quality. *Account Bus Res.* 2017;47(6):620-633.
14. Ebrahimi J. Explaining the effects of social capital on accounting and financial reporting variables with the moderating effect of corporate governance [dissertation]. Mazandaran, Iran: University of Mazandaran; 2022.
15. Goudarzi M. Determine the Exploratory model of financial management in sport Federations. *Appl Res Sport Manag.* 2017;6(2):67-79.

16. Gardi B, Abdalla Hamza P, Sabir BY, Mahmood Aziz H, Sorguli S, Abdullah NN, et al. Investigating the effects of financial accounting reports on managerial performance. *Int J Psychosoc Rehabil*. 2021;25(3):2345-2356.
17. Ferdi Van A. Financial reporting quality and accounting information quality: A literature review. *J Account Manag Inf Syst*. 2017;16(4):477-498.
18. Goudarzi M, Moradi A. Big Bath conditions in Iran's National Olympic Committee [unpublished raw data]. 2024.